

## بررسی چگونگی ارتباط امام رضا علیه السلام با اصحاب در کوفه، بغداد و قم

جمیله انصاریپور<sup>۱</sup>

زهرا قاسم نژاد<sup>۲</sup>

### چکیده

کوفه، بغداد و قم از نقاط حساس شیعه‌نشین جهان اسلام بود. به سبب نقش سیاسی این سه شهر، امام رضا علیه السلام باید برنامه‌ای برای ارشاد و هدایت و تمدن‌سازی این مراکز مهم در نظر می‌گرفتند تا بتوانند کاروان بشریت را به سوی توحید و تداوم مدنیت اسلامی، رهنمون باشند. از طرفی فاصله محل استقرار امام علیه السلام با این مراکز زیاد است و امکان ارتباط حضوری امام وجود ندارد. با این فرضیه، پژوهش حاضر، درصدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که با توجه به استقرار امام رضا علیه السلام در مدینه و خراسان، چگونه ایشان با اصحاب خود در سایر نقاط جغرافیایی چون کوفه، بغداد و قم در ارتباط بوده‌اند؟

بر اساس یافته‌های این مقاله، امام علیه السلام با وجود همه تنگناها و فشارها و خشونت‌های اعمال شده از سوی حاکمان وقت، با گزینش شخصیت‌های برجسته این مراکز همچون صفوان بن یحیی، یونس بن عبدالرحمن، و محمد بن ابی عمیر تشکیلات منسجم و سری شکل داده که از آن با عنوان سازمان وکالت امام یاد می‌شود و از طریق این سازمان، شبکه ارتباطی گسترده‌ای را در درون هر یک از این مراکز

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تفسیر اثری، دانشکده اهل‌البیت، دانشگاه اصفهان.

۲. استادیار دانشگاه شیراز، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه علوم قرآن و حدیث.

ایجاد نموده که این شبکه‌های ارتباطی حتی در درون دربار و حکومت وقت نیز نفوذ داشته و کلیه جریانات جامعه را به نفع شیعیان جهت‌دهی می‌کند.  
**واژگان کلیدی:** امام رضا علیه السلام، ارتباط، اصحاب، بغداد، قم، کوفه.

## مقدمه

عصر امام رضا علیه السلام به عنوان یکی از دوره‌های پرتنش سیاسی و فرهنگی از جهات مختلف درخور توجه و اهمیت است. تقسیم خلافت عباسی، درگیری میان امین و مأمون، خیزش بزرگ علویان و سرانجام، دعوت امام به خراسان توسط مأمون و مسئله واگذاری ولایت‌عهدی به امام، نقطه عطفی در تاریخ تشیع محسوب می‌شود. از جهتی، این دوره از تاریخ بهترین دوران گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی است، به گونه‌ای که به «عصر طلایی» معروف شده است (حیة الامام الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۱). در این شرایط حساس و ویژه، ارتباط امام علیه السلام با مراکز مهم شیعی چون کوفه، بغداد و قم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا شهر شیعه‌نشینانی مانند کوفه در کنار بصره، که بزرگترین منطقه سنی‌نشین است، واقع شده و قم و بغداد از دیگر شهرهایی هستند که بیشترین جمعیت شیعی را در خود جای داده‌اند. سؤال اساسی این است که با وجود استقرار امام در مدینه و مدتی در خراسان، ارتباط امام با اصحاب خود در کوفه، بغداد و قم به چه صورت بوده است؟ رویکردی که نویسندگان در بیان چگونگی ارتباط امام رضا علیه السلام با اصحاب در شهرهای کوفه، قم، و بغداد برگزیده‌اند، یک رویکرد روایی با تکیه بر آراء رجالین شیعه است. در این رویکرد، مراد از اصحاب امام رضا علیه السلام در کوفه، قم، و بغداد، تمام شیعیان و حتی غیرشیعیانی است که از دوستان امام علیه السلام هستند و برای شنیدن سخنان امام، شوق و علاقه ویژه‌ای از خود نشان می‌دهند. در این مراکز به غیر از شیعیان افرادی وجود دارند که با شیعه‌نبودن، به امام علاقه داشته و از محضر وی به عنوان یک عالم و دانشمند برجسته عصر خود استفاده می‌کردند. با توجه به این تعریف گسترده از اصحاب امام علیه السلام، قطعاً تعداد بی‌شماری در هر یک از این نواحی جغرافیایی وجود دارند که واژه «اصحاب» بر آنها صدق می‌کند. امام باید به عنوان امام و پیشوای جامعه مسلمانان عصر خود با اصحاب در ارتباط بوده و به هدایت عمومی جامعه بپردازد و از طرفی حضور امام تنها در دو شهر مدینه و خراسان دیده می‌شود. پس باید به این پرسش پاسخ داد که امام چگونه با اصحاب خود در این مراکز ارتباط داشتند. منابع تاریخی نمی‌تواند آن‌گونه که شایسته است، به این پرسش پاسخ دهد. به همین سبب، این پژوهش با مطالعه کتب روایی و

رجالی انجام گرفته است؛ هر چند که از منابع تاریخی نیز به عنوان مؤید و قرینه استفاده شده است. زیرا مهم‌ترین اصحاب امام علیه السلام که در هر برهه، انتقال‌دهنده میراث اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند، راویان هستند و در زمان امام رضا علیه السلام نیز نام راویان برجسته‌ای در کتب رجالی ما ثبت شده که شخصیت علمی، دینی، فقهی آنها سرآمد همگان است و امام علیه السلام، خود به عدم حضورشان در این مراکز اشاره نموده و از اصحاب خواسته‌اند تا سراغ شخصیت‌های برجسته رفته و معالم دین را از آنها فراگیرند. مطالعه این شخصیت‌های برجسته در کنار هم، ما را به شبکه ارتباطی پیچیده و گسترده‌ای رهنمون می‌سازد که این افراد از یک سو با امام و از سوی دیگر با جامعه داشته‌اند. ارتباط آنها با امام علیه السلام این موضوع را آشکار می‌کند که این عده، تشکیلاتی منسجم و قوی را توسط امام راه‌اندازی کرده بودند که در این نوشتار با عنوان «سازمان وکالت امام» از آن یاد می‌شود. بیشترین ارتباط امام از طریق سازمان وکالت بود که با پیچیدگی و ظرافتی که این سازمان داشت، امکان ایجاد شبکه‌های ارتباطی درون جامعه را ممکن می‌ساخت. به منظور تحلیل این موضوع پس از بیان روش تحقیق، چگونگی ارتباط امام علیه السلام در هر یک از این سه شهر به صورت مجزا مطرح شده است. در بحث چگونگی ارتباط امام با اصحاب در کوفه، نوع ارتباط و برآیندها به صورت مفصل بررسی شده؛ به همین سبب در بررسی ارتباط امام با بغداد و قم، این مباحث به صورت خلاصه‌تر مطرح شده است. در پایان، ارتباط کلی امام با اصحاب در این سه شهر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر با روش توصیفی تحلیلی با تکیه بر حوادث تاریخی و گزارشات علمای علم حدیث و رجال، تدوین شده است. پس از انتخاب موضوع، نگارندگان با استفاده از کتب رجالی و روایی شیعه به بررسی اصحاب امام علیه السلام در کوفه، بغداد و قم پرداخته و با مطالعه سیرت و بیست نفر از اصحاب امام رضا علیه السلام در شهرهای متعدد به گزینش افرادی پرداخته که می‌توانند چگونگی ارتباط امام را با اصحاب در شهرهای فوق نشان دهند. سپس زندگی این افراد و روایت‌های آنها در کلیه منابع رجالی، روایی و تاریخی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و چنانچه گزارشی یا مطلبی در یک کتاب حاکی از ارتباط امام با اصحاب در یکی از این حوزه‌ها بوده، بیان و تحلیل شده است.

### چگونگی ارتباط امام رضا علیه السلام با اصحاب در کوفه

در قرن اول هجری، با انتقال قدرت و مرکزیت خلافت امیر مؤمنان علی علیه السلام از مدینه به کوفه پس از جنگ جمل، شهر کوفه به تدریج چهره‌ای شیعی به خود گرفت و پس از جریان جمل بود که ۴۰۰ صحابی از مهاجر و انصار که ۷۰ نفر از بدریون در میان آنها بودند، وارد کوفه شدند و در صفر ۲۸۰۰ صحابی مقیم کوفه همراه علی علیه السلام بودند (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸). در سده دوم، حضور شمار بسیاری از علمای اسلام در جامع این شهر، شگفت‌آور است. مردم کوفه در این دوران ترکیبی از شیعه و سنی، پیروان مذاهب دیگر و حتی ملحدان بودند؛ ولی آنچه به حیات علمی کوفه در قرن دوم نیرو بخشید، وجود شاگردان بنام صادقین علیهم السلام بود.

امام سجاد، امام باقر و صادق علیهم السلام بارها به کوفه آمدند و در این رفت و آمدها، محدثان شیعی و سنی از حضور ائمه اطهار بهره‌های فراوان بردند. اقامت پنج ساله امام صادق علیه السلام در شهر هاشمیه (الکافی، ج ۶، ص ۴۵۵) و نقل روایت از نزدیک برای شیعیان، بیش از پیش به غنای علمی شیعه در کوفه کمک کرد؛ به طوری که حضور و افاده علمی آن حضرت در مسجد کوفه از سایر ائمه علیهم السلام بیشتر بود (پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۳۵۷). بنابراین، شهر کوفه با وجود متأثر بودن از اختلافات و چنددستگی‌ها، به دلایل زیر به مرکزیت شیعه شهرت یافت:

- اگر می‌خواستند به فردی عنوان شیعی دهند او را کوفی یا کوفی مذهب لقب می‌دادند.
- نخستین گروه از شاگردان امام باقر علیه السلام مردانی از شهر کوفه بودند (پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۳۵۷).
- راویان صادقین علیهم السلام در درجه اول کوفی بودند (الرجال، ص ۱۲۱ - ۳۲۸).
- حسن بن علی بن زیاد و شاء از اصحاب امام رضا علیه السلام، نهصد نفر از مشایخ حدیث را در مسجد کوفه درک کرده که همه در مقام تدریس می‌گفتند: حدیثی جعفر بن محمد علیه السلام (رجال نجاشی، ص ۴۰).
- از میان هجده نفر اصحاب اجماع غیر از معروف بن خزبوذ که مکی (الرجال، ص ۱۲۰) و محمد بن ابی عمیر که از مردم بغداد بود (رجال نجاشی، ص ۳۲۰)، شانزده نفر باقیمانده اهل کوفه یا ساکن آنجا بودند و همین امر، اهمیت کوفه و ارادت آنان به ائمه اطهار علیهم السلام و حفظ میراث ایشان را مدلل می‌سازد.

بسیاری از خاندان‌های علمی شیعه که همگی شاگردان امامان علیهم‌السلام بوده‌اند، از کوفه هستند؛ از این خاندان‌ها می‌توان به آل ابی‌شعبه، آل ابی‌جعده، آل ابی‌أراکه و آل ابی‌صفیه اشاره کرد (کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، ص ۴۷۸ - ۴۸۹).

بنابراین، حرکت ائمه قبل از امام رضا علیه‌السلام و تلاش‌های مستمر ایشان سبب شد تا شهر کوفه به مرکزیت شیعه تبدیل شود. حفظ موجودیت و گسترش مذهب تشیع در کوفه، از مسائلی بود که امام باید به آن اهتمام می‌ورزید تا این شهر همچنان چهره شیعی خود را حفظ نماید. از طرفی، این امر تنها با وجود ارتباط مستقیم امام با اصحاب خود در این شهر امکان‌پذیر بود. با توجه به این موضوع که امام رضا علیه‌السلام در دو شهر مدینه و خراسان سکونت داشته‌اند، و از طرفی کوفه پایگاه شیعه و دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام است، این پرسش در ذهن پژوهشگر ایجاد می‌شود که امام چگونه با یاران و اصحاب خود در کوفه ارتباط و تعامل داشته‌اند؟ برآیند این ارتباط و تعامل باید به حفظ موجودیت شیعه در کوفه و گسترش آن بینجامد. مطالعه منابع تاریخی، روایی و رجالی در پاسخ به این سؤال مؤثر است. اولین و حساس‌ترین اقدام امام علیه‌السلام به منظور ایجاد ارتباط با کوفه، تشکیل سازمان وکالت بود. امام به همین علت دست به گزینش زده و از میان افرادی که در کوفه بودند، برجسته‌ترین شخصیت‌ها را که می‌توان آنان را نخبگان کوفی نامید، انتخاب نمود. هسته مرکزی سازمان وکالت امام علیه‌السلام در کوفه، توسط این نخبگان شکل گرفت. منابع رجالی از ۵۵ نفر نام می‌برند که در کوفه به نقل روایات امام رضا علیه‌السلام پرداخته‌اند. مطالعه و بررسی شخصیت، حالات و ویژگی این افراد و میزان ملاقات‌های آنان با امام علیه‌السلام در منابع تاریخی و رجالی بیانگر این موضوع است که از این تعداد هشت نفر از هر حیثی سرآمد دیگران و مورد توجه امام بوده‌اند. به دیگر سخن، اینها کسانی بودند که هسته مرکزی سازمان وکالت امام در کوفه را شکل می‌دادند. احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی، صفوان بن یحیی، حسن بن علی بن وشاء، محمد بن سنان، عبدالله بن جندب، محمد بن اسماعیل بزیع، ایوب بن نوح و جعفر بن بشیر از برجسته‌ترین شخصیت‌های کوفی هستند که هر یک به گونه‌ای در سازمان وکالت امام فعالیت دارند. با توجه به وجود افرادی چون صفوان و احمد بن محمد به نظرمی‌رسد سازمان وکالت امام در کوفه از انسجام و قدرت کافی برخوردار بوده است؛ زیرا افرادی را امام به عنوان پیل ارتباطی خود با کوفه برگزیده‌اند که تجربه ارتباط بین امام رضا علیه‌السلام و جامعه را در زمان امام کاظم علیه‌السلام تجربه نموده‌اند.

«وجدت بخط جبریل بن أحمد الفاریابی حدثنی محمد بن عبد الله بن مهران قال أخبرنی أحمد بن محمد بن أبی نصر قال دخلت علی أبی الحسن علیه السلام أنا و صفوان بن یحیی و محمد بن سنان و أظنه قال عبد الله بن المغيرة أو عبد الله بن جندب و هو بصری قال فجلسنا عنده ساعة ثم قمنا فقال لی: أما أنت یا أحمد فاجلس فجلست فأقبل یحدثنی فأسأله فیجیبنی حتی ذهب عامة اللیل فلما أردت الانصراف قال لی: یا أحمد تنصرف أو تبیت؟ قلت جعلت فداک ذاک إلیک إن أمرت بالانصراف انصرفت و إن أمرت بالقیام أقمت قال: أقم فهذا الحر و قد هدأ اللیل و ناموا فقام و انصرف فلما ظننت أنه قد دخل خررت لله ساجدا فقلت الحمد لله حجة الله و وارث علم النبیین أنس بی من بین إخوانی و حبیبی فأنا فی سجدتی و شکری فما علمت إلا و قد رفسنی برجله ثم قمت فأخذ بیدی فغمزها ثم قال: یا أحمد إن أمیر المؤمنین علیه السلام عاد صعصعة بن صوحان فی مرضه فلما قام من عنده قال له: یا صعصعة لا تفتخرن علی إخوانک بعبادتی إیاک و اتق الله ثم انصرف عنی» (رجال کشی، ص ۵۸۸ - ۵۸۷).

گزارش مرحوم کشی نشان می دهد احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی، صفوان و محمد بن سنان چهره های شناخته شده شیعی جامعه کوفه هستند که قبل از امام رضا علیه السلام نیز با امام عصر خود در ارتباط بوده اند. امام کاظم علیه السلام نیز برخی از اصحاب را در زمان امام رضا علیه السلام برای این امر آماده و مسؤلیت خطیرشان را گوشزد می نمود. زمانی که محمد بن سنان قصد رفتن به کوفه را داشت، امام کاظم علیه السلام به وی فرمودند:

«حدثنی حمدویه قال حدثنی الحسن بن موسی قال حدثنی محمد بن سنان قال دخلت علی أبی الحسن موسی علیه السلام قبل أن یحمل إلى العراق بسنة و علی ابنه علیه السلام بین یدیه فقال لی: یا محمد! قلت لیبک قال: إنه سیکون فی هذه السنة حركة و لا تخرج منها ثم أطرق و نکت الأرض بیده ثم رفع رأسه إلى و هو یقول و یضل الله الظالمین و یفعل ما یشاء قلت و ما ذاک جعلت فداک؟ قال: من ظلم ابنی هذا حقه و جحد إمامته من بعدی کان کمن ظلم علی بن أبی طالب حقه و إمامته من بعد محمد صلی الله علیه و آله فعلمت أنه قد نعی إلى نفسه و دل علی ابنه فقلت و الله لئن مد الله فی عمری لأسلمن إليه حقه و لأقرن له بالإمامة أشهد أنه من بعدک حجة الله علی خلقه و الداعی إلى دینه فقال لی: یا محمد یمد الله فی عمرک و تدعو إلى إمامته و إمامته من یقوم مقامه من بعده فقلت و من ذاک جعلت فداک؟ قال محمد ابنه قلت بالرضی و التسلیم فقال: كذلك قد

وجدتك في صحيفة أمير المؤمنين عليه السلام أما إنك في شيعتنا أبين من البرق في الليلة الظلماء ثم قال: يا محمد إن المفضل أنسى و مستراحي و أنت أنسهما و مستراجهما حرام على النار أن تمسك أبدا يعني أبا الحسن و أبا جعفر عليهما السلام (رجال كشي، ص ۵۰۹).

این گزارش هرچند از زبان خود ابن سنان نقل شده است، اما حکایت از شخصیت و موقعیت محمد بن سنان دارد که قرار است، در دوران امامت امام رضا علیه السلام مایه آرامش ایشان باشد. با توجه به این گزارشات، امام رضا علیه السلام گزینش بسیار خوبی داشته و سازمان وکالت امام در کوفه می‌تواند با وجود این افراد از قوی‌ترین سازمان‌های ارتباطی باشد. به منظور حفظ انسجام و قدرت این سازمان، امام علیه السلام باید از میان این افراد نماینده تام‌الاختیاری داشته باشند که از هر حیث، شایستگی جانشینی امام را داشته باشد. برای این منظور، صفوان بن یحیی از سوی امام به عنوان رهبر و نماینده تام‌الاختیار سازمان وکالت در کوفه انتخاب شد. انتخاب این شخصیت در حفظ پیوند عاطفی و فکری افراد درون سازمان و ارتباط و تعامل سازمان با جامعه از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ امام وی را که از شخصیت‌های برجسته فقهی بود، گزینش کردند؛ زیرا بررسی‌ها نشان می‌دهد عموم کسانی که توسط افراد جامعه توثیق می‌شوند، فقه‌مدارند و امام بر همین اساس، وی را که شخصیت برجسته فقهی عصر خود بود، برگزید. ویژگی‌های شخصیتی صفوان نشان می‌دهد که او از خواص شیعه است. وی از عابدترین افراد بوده است. در احوالات اوست که هر روز ۱۵۰ رکعت نماز می‌خوانده؛ سه ماه از سال را روزه می‌گرفته و سه مرتبه در سال زکات مال خود را پرداخت می‌کرده است. کتاب‌های وی نشان می‌دهد که او در علم فقه صاحب‌نظر و از برجستگان بوده است. کتاب الشراء و البیع و کتاب التجارات غیر الأول، کتاب المحبة و الوظائف، کتاب الفرائض، کتاب الوصایا، کتاب الآداب، کتاب بشارات المؤمن از کتاب‌هایی است که ابن ندیم برای وی نقل کرده است (الفهرست، ص ۲۴۱). پایبندی صفوان به شریعت به حدی است که وقتی از او خواسته شد تا دو دینار را از مکه به دست صاحبش در کوفه برساند، در پاسخ گفت: شتری که با آن سفر می‌کنم اجاره کرده‌ام برای خودم و نمی‌دانم آیا صاحبش راضی است تا دو دینار با خود حمل کنم یا نه؟

«وكانت له منزلة من الزهد و العبادة و كان جماعة الواقعة بذلوا له مالا كثيرا و كان شريكا لعبد الله بن جندب و على بن النعمان. و روى أنهم تعاهدوا في بيت الله الحرام أنه من مات منهم صلى من بقى صلاته و صام عنه صيامه و زكى عنه زكاته. فماتا و بقى

صفوان فکان یصلی فی کل یوم مائة و خمسين رکعة و یصوم فی السنة ثلاثة أشهر و یزکی زکاته ثلاث دفعات و کل ما یتبرع به عن نفسه مما عدا ما ذکرناه یتبرع (تبرع) عنهما مثله . و حکى أصحابنا أن إنسانا کلفه حمل دینارین إلى أهله إلى الکوفة فقال: إن جمالی مکریة و أنا أستأذن الأجراء. و کان من الورع و العبادة علی ما لم یکن علیه أحد من طبقته رحمه الله» (رجال نجاشی، ص ۱۹۷).

بنابراین، سازمان وکالت امام با رهبری شخصیت برجسته کوفه یعنی صفوان، کار خود را شروع نمود. سازمان وکالت امام در کوفه باید ارتباط خود را با امام برقرار می کرد تا بتواند شبکه ارتباطی قوی در جامعه کوفه ایجاد نماید. ارتباط امام علیه السلام با سازمان وکالت در کوفه به دو صورت حضوری و مکاتبه ای انجام می گرفت. در گزارشات منابع تاریخی و رجالی آمده که هر یک از افراد این سازمان، با امام رضا علیه السلام دیدار و ملاقات های حضوری دارند. گاهی این دیدارهای حضوری در محل استقرار امام علیه السلام اتفاق می افتد. به عنوان نمونه، حسن بن علی بن وشاء در سفرهای تجاری خود به مرو و خراسان با امام دیدار و از مسائل و حوادثی که در کوفه با آن رو به رو بوده است، سؤال می کند. حسن بن علی وشاء از بهترین اصحاب امام رضا علیه السلام بوده است (خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۴۱). گزارشی از وی وجود دارد که امام در مرو به مسئله توجه داشته است. طبق این خبر، امام، حسن بن علی الوشاء را به مرو خوانده، مرگ علی بن حمزه بطائنی را به اطلاع وی رسانده است (مناقب آل ائبی طالب، ج ۴، ص ۳۳۷). وی در جای دیگر می گوید: برای تجارت به خراسان رفتم. وقتی به آنجا وارد شدم، امام رضا علیه السلام شخصی را نزد من فرستاد و پارچه ای کتانی که میان لباس هایم بود و من از آن بی اطلاع بودم را از من طلبید. به فرستاده ی حضرت گفتم: آنچه را که می خواهی، همراه من نیست. فرستاده خدمت امام رفت و سپس بازگشت و نشانه و علامت آن را که در فلان سبد است، داد و من به جستجوی آن پرداختم و همان طور که امام فرموده بودند، آن را یافتم و نزد حضرت فرستادم (الرجال، ص ۷۲۱؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۵۵؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۲ - ۲۵۳)؛ سپس مسائلی را نوشتم تا از امام بپرسم. هنگامی که به درب خانه آن حضرت رسیدم، پاسخ آن سؤال هایی که می خواستم از او بپرسم، بی آن که آنها را اظهار کنم، به دستم رسید (الرجال، ص ۷۲).

احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی نیز در پیشگاه امام رضا و امام جواد علیه السلام از منزلت والایی برخوردار بود (الفهرست، ص ۵۴). در نزد شیعیان مورد اعتماد شناخته می شد (الرجال، ص ۳۶۶). وی طی سفری که برای دیدار امام رضا و امام جواد علیه السلام داشته، با صفوان و عبدالله



بن جندب نماینده امام رضا در اهواز همراه بوده (رجال کشی، ص ۵۸۳ و ۵۸۷) که خود بیانگر موقعیت سیاسی وی در جامعه شیعیان کوفه است. علاوه بر این، هنگامی که امام رضا عازم سفر مرو بود، وی در قادسیه مسئولیت قسمتی از تدارکات برای آن حضرت را به عهده گرفت (بصائر الدرجات، ص ۲۴۶) این موارد به خوبی می‌نمایاند که وی از افراد پرتلاش شیعیان کوفه بوده است و نقش بنیادی در اداره‌ی شیعیان این شهر داشته است.

شهر مکه به عنوان یک مرکز عبادی، در فعالیت‌های سازمان نقش عمده‌ای داشت. در چند مورد شاهد دیدار امام علیه السلام با سازمان وکالت در مکه هستیم که در ایام حج این عده با امام ملاقات می‌کردند:

«وجدت بخط جبریل بن أحمد حدثی محمد بن عبدالله بن مهران عن أحمد بن محمد بن أبي نصر و محمد بن سنان جميعاً قالوا: كنا بمكة و أبو الحسن الرضا علیه السلام بها فقلنا له جعلنا الله فداك نحن خارجون و أنت مقيم» (رجال کشی، ص ۵۸۴).

در این گزارش آمده که احمد بن محمد و محمد بن سنان در مکه با امام علیه السلام دیدار دارند. دیدار حضوری افراد با امام پیرامون مباحث مختلف سیاسی، اجتماعی، دین و اعتقادی است. احمد بن ابی نصر بزنتی، یکی از خواص جامعه در ملاقاتی با امام، از دو جریان انحرافی مجبره و مفوضه سؤال می‌کند و می‌گوید: برخی از شیعیان به جبر و برخی به تفویض قائل شده‌اند؛ حضرت فرمودند:

«خداوند می‌فرماید: ای فرزند آدم! این تو هستی که به مشیت و خواسته من می‌توانی اراده کنی و به نیرو و قدرت من واجبات را انجام دهی. هر چه نیکی به تو رسد، از جانب ماست، و هر چه سختی به تو رسد، از خودت است. من در مورد کارهایم مورد سؤال و بازخواست نیستم؛ ولی از تو درباره کارهایت سؤال خواهد شد» (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۲۹۳).

گاهی ارتباط امام علیه السلام با افراد حزب از طریق مکاتبه بود که در برخی از روایات و سخنان علمای علم رجال این موضوع دیده می‌شود:

«أحمد بن علی القمی السلولی قال حدثنی الحسن بن خرزاد عن الحسن بن علی بن النعمان عن أحمد بن محمد بن أبي نصر قال قلت لأبي الحسن الرضا علیه السلام إن الحسن بن محبوب الزراد أتانا عنك برسالة قال صدق لا تقل الزراد بل قل السراد إن الله تعالى يقول: يقول: و قدر فی السرد» (رجال کشی، ص ۵۸۵).

این گزارش در عین مختصر بودن، چند نکته مهم از ارتباط امام با حزب خود در کوفه را بیان می‌کند:

اول: گاهی امام از طریق نامه و نوشته مکتوب با اصحاب خود در کوفه ارتباط داشته‌اند.  
دوم: در سخن احمد بن محمد بن ابی نصر، «أتانا عنک برسالة» آمده است؛ این نکته بیانگر این است که در آن نامه خطاب امام علیه السلام به تمام افراد سازمان بوده است.  
سوم: این خبر نشان می‌دهد اوضاع در کوفه به گونه‌ای است که افراد سازمان وکالت، اطمینان خود را از دست داده‌اند. بنابراین، احمد بن محمد برای رسیدن به اطمینان در دیدار حضوری خود با امام، از نامه‌هایی که امام برای آنها فرستاده است نیز سؤال می‌نماید.  
چهارم: نامه امام به دست حسن بن محبوب داده شده است که خود از شخصیت‌های برجسته کوفی و از اصحاب اجماع است و این موضوع بیان می‌کند در صورت عدم ارتباط امام با افراد برجسته سازمان، امام نامه را به افرادی می‌دادند که از آنها اطمینان داشتند.  
بنابر آنچه بیان شد، امام از طریق نامه و دیدارهای حضوری با سازمان وکالت در کوفه ارتباط داشتند. دیدارها گاهی شخصی و گاه به صورت دسته‌جمعی بود که ممکن بود این دیدار در محل سکونت امام یا در سفرهای امام انجام گیرد. ارتباط امام با سازمان وکالت اولین مرحله ایجاد شبکه ارتباطی است که این مرحله از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بنابراین، شاهدیم که امام علیه السلام علاوه بر دیدارهای فردی با تک تک افراد سازمان، گاهی به تشکیل جلسه با کل افراد سازمان می‌پرداختند که معمولاً در این دیدارهای سازمانی، احمد بن محمد بن ابی نصر، صفوان بن یحیی و محمد بن سنان حضور دارند. امام در قسمت اول شبکه ارتباطی، یعنی ارتباط امام با سازمان، سعی دارند با ارتباط حضوری یک نفره و دسته‌جمعی، پیوند عاطفی و فکری میان اعضای شبکه را حفظ نمایند. افراد درون سازمان، وکالت همچون هسته اصلی، ارتباط با امام و جامعه را شکل می‌دهند. نوع ارتباطشان و وحدت آنها از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بنابراین، امام علیه السلام به وحدت افراد درون سازمان و عدم اختلاف و دودستگی سازمان توجه داشته و در این موارد موضع‌گیری نموده و به حل اختلاف درون سازمان می‌پرداختند؛ اطلاعاتی که نشان‌دهنده وجود اختلافات و دودستگی درون سازمانی باشد، در دسترس نیست؛ تنها روایت‌های ابن سنان است که حاکی از اختلاف میان وی و صفوان و دوستانش ایوب بن نوح و فضل بن شاذان می‌باشد؛ در این رابطه صفوان از او به عنوان «پروازکننده» یاد می‌کند و می‌گوید:

«محمد بن سنان تلاش کرد که بیش از یک بار پرواز کند که ما بال او را کوتاه کردیم و در کنار ما باقی ماند» (رجال کشی، ص ۵۰۶). و در جای دیگر می‌گوید: «محمد بن سنان از پروازکنندگان بود و ما بال او را کوتاه کردیم» (رجال کشی، ص ۵۰۷). تا این جای گزارش به نظر می‌رسد ابن سنان با افراد درون سازمان اختلاف پیدا نموده و چون سخن از غلو است اختلاف بر سر مباحث کلامی بوده و صفوان به عنوان رهبر سازمان سعی دارد، این اختلاف را حل کند و اتهام را از ابن سنان بردارد. امام رضا علیه السلام نیز در یک مورد که اختلاف بین ابن سنان و صفوان دیده می‌شود، با توجه به حساسیت نقش سازمان، ناگزیر از موضع‌گیری شده است. به هر حال، سخن امام چنین آغاز می‌گردد که فرمود: «دل بستن به ریاست، برای دین مسلمان زیان‌بارتر از یورش دو گرگ گرسنه به گله بی‌چوپان است» و سپس می‌افزاید:

لیکن صفوان به ریاست دل نبسته است (رجال کشی، ص ۵۰۳).

امام در پایان، اتهام دل بستن به ریاست را از صفوان دور کرد و به نظر می‌رسد که با پادرمیانی امام، این مسایل فروکش می‌کند؛ زیرا محمد بن سنان به همراه صفوان به صورت مشترک در شهر مکه به پیشگاه امام مشرف شدند (۱۹۶ هـ. ق) و از آنجا به مدینه رفتند و خدمت امام جواد علیه السلام که هجده ماه پیش نداشت، رسیدند (دلایل الامامة، ص ۲۱۳)، و در شهر کوفه نیز رفت و آمد داشتند.

با توجه به آنچه بیان شد، اولین اقدام امام به منظور ارتباط با جامعه کوفه ایجاد سازمان وکالت و ارتباط حضوری و مکاتبه‌ای با افراد این سازمان است. امام علیه السلام با ارتباط خود و رهبری و مدیریت صفوان بن یحیی، پیوند عاطفی و فکری سازمان را حفظ نموده و پس از ایجاد سازمان وکالت در کوفه و ارتباط امام با سازمان، اکنون نوبت به کار سازمان می‌رسد که این سازمان باید درون کوفه شبکه ارتباطی را که پل بین امام و جامعه کوفه است برقرار نماید. گزارشاتی که مرحوم کشی و سایر علمای علم رجال بیان کرده‌اند، نشان می‌دهد فعالیت این سازمان به صورت یک شبکه ارتباطی است که در برخی قسمت‌های شبکه، این ارتباط آشکار و علنی و در برخی از حوزه‌ها ارتباط به صورت مخفی و پنهان انجام می‌گیرد. آنچه اهمیت دارد، این است که این شبکه ارتباطی اوضاع سیاسی، دینی، اقتصادی، اعتقادی جامعه را به نفع شیعیان در کنترل دارد. در عرصه فعالیت‌های دینی، سازمان وکالت پایگاه مطالعات دینی در سطح تخصصی و منبع پاسخ‌گویی به سؤالات مردم است. بنابراین، از این طریق ارتباط سازمان با عوام و خواص

جامعه کوفه در موضوعات و مسائل دینی برقرار می‌شود. نهضت ترجمه در دوران عباسیان، خصوصاً در زمان مأمون و هارون به اوج خود رسید. این نهضت هر چند بر ایجاد حرکت علمی تأثیری بسزا داشت، از موارد نگران‌کننده نیز خالی نبود؛ زیرا مترجمان متعصب که به مذاهب غیراسلامی مانند زرتشتیان، نسطوریان و برهمن‌ها متعلق بودند، یقیناً در کار خود حسن نیت نداشتند و گروهی هم تلاش می‌کردند از بازار داغ انتقال علوم بیگانه به محیط اسلام برای نشر عقاید فاسد خود فرصتی بیابند. بنابراین، در لابه‌لای آثار ترجمه‌ای که وارد جامعه اسلامی می‌شد، آثاری از عقاید خرافی و انحرافی و غیراسلامی وجود داشت. مسلماً چنین امری از تأثیرگذاری بر افکار عمومی و انحراف آنها خالی نبود. در حکومت عباسیان نیز تشکلی که آثار علمی بیگانه را مورد ارزیابی قرار دهد، وجود نداشت. عقل‌گرایی محض که از کتاب‌های یونانی و سریانی و غیر آن به وجود آمده بود، عده زیادی را به مذهب اعتزال سوق می‌داد (مناظرات تاریخی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام با پیروان مذاهب و مکاتب مختلف، ج ۱، ص ۴۲۸ - ۴۲۹). با توجه به موارد مذکور و رواج آموزه‌های مبتنی بر کتاب‌های علمی بیگانگان؛ طبیعتاً توجه به این آثار با رویکرد استفاده علمی از آنها و نیز ارزیابی و نقد و بررسی مطالب نادرست آنها امری طبیعی است. همین نکته سبب شد که محافل علمی توسط خواص جامعه برای بررسی این کتاب‌ها تشکیل شده و آنها به تألیف کتاب‌های علمی اسلامی بپردازند تا جامعه را از کتاب‌های بیگانگان بی‌نیاز سازند. کتاب‌های بسیاری از نخبگان جامعه شیعی کوفی تألیف شد که از آن جمله می‌توان از کتاب‌های صفوان نام برد. صفوان سی کتاب تصنیف کرده است و نام او در سلسله سند بیش از ۱۱۰۰ حدیث آمده است. حسن بن علی بن وشاء از شخصیت‌هایی بود که عده زیادی به منظور فراگیری علوم حدیث به سوی او می‌آمدند. نجاشی گزارشی را نقل کرده که گواه بر راستی این مطلب است:

أخبرني ابن شاذان قال: حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى عن سعد عن أحمد بن محمد بن عيسى قال خرجت إلى الكوفة في طلب الحديث فلقيت بها الحسن بن علي الوشاء فسألته أن يخرج لي (إلى) كتاب العلاء بن رزين القلاء وأبان بن عثمان الأحمر فأخرجهما إلي فقلت له: أحب أن تجيزهما لي. فقال لي: يا رحمك الله و ما عجلتك اذهب فاكتبهما و اسمع من بعد فقلت: لا آمن الحدثن فقال لو علمت أن هذا الحديث يكون له هذا الطلب لاستكثرته منه فإني أدركت في هذا المسجد تسع مائة شيخ كل يقول حدثني جعفر بن محمد (رجال نجاشي، ص ۲۸).

بنابراین گزارش، احمد بن محمد بن عیسی از قم به سوی کوفه آمده تا از محضر حسن بن علی بن وشاء استفاده نماید. جعفر بن بشیر نیز از شخصیت‌های برجسته علمی زمان امام رضا علیه السلام است که در شأن او آمده است:

من زهاد أصحابنا و عبادهم و نساكهم و كان ثقة و له مسجد بالكوفة باق في بجيلة إلى اليوم و أنا و كثير من أصحابنا إذا وردنا الكوفة نصلى فيه مع المساجد التي يرغب في الصلاة فيها و مات جعفر رحمه الله بالأبواء سنة ثمان و مائتين كان أبو العباس بن نوح يقول: كان يلقب ففحة العلم (رجال نجاشي، ص ۱۱۹).

هرچند منابع تاریخی و رجالی مطلبی را از فعالیت جعفر در سازمان وکالت نقل نکرده‌اند، اما گزارش کشی نشان می‌دهد که وی علاوه بر فعالیت علمی، دارای فعالیت سیاسی بوده و از اعضای سازمان وکالت است؛ در این گزارش آمده است:

مأمون پس از شهادت امام رضا علیه السلام و آمدن به بغداد، او را نزد خود خواند و از او دلجویی کرد (رجال کشی، ص ۲۰۵).

اقدام مأمون بیانگر این موضوع است که جعفر از افراد برجسته جامعه کوفه است که مأمون با نزدیکی به وی سعی دارد خود را از اتهام قتل امام تبرئه کند. در کنار این که سازمان وکالت به طور علنی دانشگاه و پایگاه مطالعات دینی محسوب می‌شود، برای عوام جامعه نیز منبع پاسخ‌گویی به سؤالات دینی و شرعی است. مسجد مهم‌ترین مرکز فعالیت افراد سازمان وکالت برای برقراری ارتباط با عوام جامعه است. سخنی از محمد بن سنان وجود دارد که نشان می‌دهد این سازمان در بعد دینی فعالیت‌های خود را به طور علنی انجام داده و با صراحت اعلام می‌شد که مسائل دینی خود را از ما بیاموزید. ابن سنان طی سخنی به «بنان» که همراه صفوان وارد مسجد کوفه می‌شدند، گفت: اگر کسی پاسخ مسایل پیچیده را خواست، نزد من آید و اگر کسی پاسخ مسایل حلال و حرام را طلب کرد، نزد شیخ [صفوان] برود (رجال کشی، ص ۵۰۸).

ابن سنان با این سخنان زیبا و روشن، از حدود کار خود و مسؤولیت صفوان تصویر روشنی به دست داده، رهبری و وکالت صفوان را پذیرفت و از او به عنوان پاسخگوی حلال و حرام یاد کرد؛ وی را در این زمینه بر خود مقدم داشت و در ضمن، مسؤولیت و موقعیت خود را نیز بازگو نمود. سازمان وکالت در عرصه اعتقادی نیز سخت وارد عمل شده بود؛ در کوفه، با وجود آن که مرکز شیعه بود، جریان‌ات انحرافی متعددی وجود داشت؛ از مهم‌ترین این جریان‌ها، جریان انحرافی «واقفیه» است. گروه واقفه که پس از شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام با انگیزه‌ای

دنیا طلبانه به وجود آمده بود، چهره‌ای غالبانه به خود گرفت و برای مدتی شیعیان کوفه، بغداد و مصر را به خود مشغول داشت. آنها در شهر کوفه قدرت بیشتری داشتند و عمر سیاسی آنان در این شهر به درازا کشید و با وجود مهیا بودن زمینه انحرافات، جمع بسیاری را به انحراف کشانید. این گروه، بحث‌های فراوانی با امام رضا علیه السلام به راه انداختند (رجال کشی، ص ۴۶۳ - ۴۶۶)، اما سرانجام، گروه واقفه کوفه که علی بن حمزه بطائنی رئیس آنها بود (بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۵۵) و سماعة بن مهران و حسین بن ابی سعید مکاری که بر اندیشه‌های منحرفانه خود ایستادگی می‌کردند، بر اثر تلاش سازمان وکالت در کوفه به بغداد متواری شدند و به فقر و تنگدستی افتادند و پس از مدتی فراموش شدند (رجال کشی، ص ۴۰۵). دیدارهای متعددی بین سران واقفه و صفوان نماینده امام اتفاق افتاد. زمانی که نتوانستند با مغالطه و جدل وارد شوند، در صدد تطمیع مالی آنان برآمدند.

پیشنهادات مالی بسیاری به صفوان داده شد، اما وی نپذیرفت:

«کان ممن بذل له علی الوقف مال جزیل و امتنع (فامتنع) من أخذه و ثبت علی الحق»  
(رجال ابن داوود، ج ۱، ص ۳۸۳).

شبکه ارتباطی سازمان وکالت به درون دربار نیز نفوذ کرده بود؛ اما این ارتباط از نوع مخفی و کاملاً پنهان انجام می‌شد. برخی از افراد سازمان ضمن رعایت تقیه، در دربار حکام وقت حاضر می‌شدند و جریانات سیاسی کشور را پیگیری و به نفع شیعیان حکم می‌کردند. از جمله این افراد، محمد بن اسماعیل بن بزیع است (رجال نجاشی، ص ۳۳۰). وی جزء وزرای حکومت وقت بوده است و امام رضا علیه السلام در همین زمینه به او می‌فرماید: «همانا در درگاه حکومت‌های ظالم، کسی است که خداوند به وسیله او دلایل و برهان‌ها را آشکار می‌نماید و به او امکان می‌دهد که در بلاد مسلمین، ظلم ظالمان را از اولیای الهی و مؤمنین دفع کند. خداوند به وسیله او، امور مسلمین را اصلاح می‌نماید؛ به خاطر این که آنان ملجأ مؤمنین از ظلم و ضرر هستند. بر آنان واجب است که از حاجت‌مندان شیعه ما فریادرسی کنند. به وسیله آنان، دل مؤمن در تاریکی‌ها به خدا ایمان می‌آورد و همانا آنان مؤمنان حقیقی هستند.» امام رضا علیه السلام پس از آن فرمودند: «چه کسی می‌تواند از آنان باشد؛ البته اگر بخواهد به همه مشکلات آنان برسد؟ در اینجا محمد بن اسماعیل بن بزیع گفت: فدای تو شوم چگونه؟! حضرت فرمودند: کسی که با شیعیان باشد و ما را به وسیله اذخالی سرور در دل مؤمنان از شیعیان ما شادمان کند. پس ای محمد! تو از آنان باش» (خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۱۳۹). در روایت

دیگری امام علیه السلام رضایت خود را از محمد بن اسماعیل بیان داشته و می‌فرمایند دوست دارم شما نیز مانند او باشید:

«أخبرنا والدي رحمه الله قال: أخبرنا محمد بن علي بن الحسين قال: حدثنا محمد بن علي ماجيلويه عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن علي بن معبد عن الحسين بن خالد الصيرفي. قال: كنا عند الرضا عليه السلام ونحن جماعة فذكر محمد بن إسماعيل بن بزيع فقال: وددت أن فيكم مثله» (رجال نجاشي، ص ۳۳۲).

صفوان نماینده امام در سازمان وکالت کوفه نیز با حمایت برخی از افراد مسائل سیاسی را تحت کنترل داشت. به احتمال قوی صفوان در این راه از حمایت خاندان اشعث برخوردار بوده است؛ زیرا صفوان با جعفر بن محمد بن اشعث که از شیعیان بود و از افراد با نفوذ دستگاه خلافت عباسی به شمار می‌رفت، ارتباط نزدیک داشت (اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۳). البته صفوان فعالیت سیاسی خود را با یاری افرادی نظیر محمد بن سنان، علی بن نعمان دوست نزدیک وی (رجال نجاشی، ص ۱۲۹) و ایوب بن نوح و جعفر بن احمد بن ایوب و حسن بن موسی و محمد بن الحسین بن ابی الخطاب انجام می‌داده است. بنابراین، در شبکه ارتباطی سازمان وکالت افرادی چون صفوان، محمد بن سنان که هسته‌های اصلی شبکه ارتباطی را شکل می‌دهند، در بیرون از سازمان نیز تشکیلات منسجم دیگری شکل داده‌اند که به گسترش شبکه ارتباطی سازمان کمک می‌کند. به ویژه صفوان به عنوان نماینده امام در سازمان وکالت، علاوه بر ارتباط با افراد درون سازمان، با تشکل‌های دیگری نیز ارتباط دارد که از طریق حمایت آنها می‌تواند به خوبی شبکه ارتباطی خود را با جامعه کوفه برقرار نماید. شبکه ارتباطی سازمان وکالت در اقدام مؤثر دیگری تقریباً بیشتر منصب‌های شرعی را به دست گرفته بود. ایوب بن نوح بن دراج، اسحاق بن ابراهیم حضینی و صفوان بن یحیی از وکلای اقتصادی امام رضا علیه السلام هستند. این افراد که از حیث تقوا و پایداری به شریعت و اطاعت از رهبری بی‌نظیر بودند، به سمت وکالت اقتصادی رسیده و وکیل امام در امور اقتصادی شدند. این افراد وجوهات شرعی را جمع‌آوری می‌کردند و در اختیار امام قرار می‌دادند. مرحوم کشی در بیان شخصیت ایوب بن نوح بن دراج می‌نویسد:

«كان في الصالحين و كان حين مات و لم يخلف إلا مقدار مائة و خمسين ديناراً و كان عند الناس أن عنده مالا لأنه كان وكيلاً لهم» (رجال کشی، ص ۵۷۲).

گزارش کثی نشان می‌دهد که ویژگی بارز نخبگان عرصه اقتصادی، امانت‌داری آنان بود؛ چنان که ایوب بن نوح بن دراج با وجودی که وجوهات شرعی فراوانی در اختیار داشت، پس از وفاتش تنها ۱۵۰ دینار از وی برجای مانده بود.

ایوب در کوفه مقام قضاوت را نیز برعهده داشت و از این طریق به حل مسائل و اختلافات جامعه کمک می‌کرد. نجاشی درباره وی می‌نویسد:

أبوالحسین كان وكيلاً لأبي الحسن و أبي محمد عليهما السلام عظيم المنزلة عندهما مأموناً و كان شديد الورع كثير العبادة ثقة في رواياته و أبوه نوح بن دراج كان قاضياً بالكوفة و كان صحيح الاعتقاد و أخوه جميل بن دراج (رجال نجاشی، ص ۱۰۲).

شبکه ارتباطی سازمان وکالت به گونه‌ای بود که می‌توانست افراد مستعد و آماده جامعه کوفه را به امام وصل نماید. از جمله افرادی که سبب اتصال تعدادی به امام رضا علیه السلام شد، حسن بن سعید بن حماد بود که در کتب رجالی این گونه گزارش شده است:

ابن مهران مولى على بن الحسين عليه السلام كوفي أهوازي يكنى أبا محمد هو الذى أوصل على بن مهزيار و إسحاق بن إبراهيم الحصيني إلى الرضا عليه السلام حتى جرت الخدمة على أيديهما ثم أوصل بعد إسحاق بن على بن الريان و كان سبب معرفة الثلاثة لهذا الأمر و منه سمعوا الحديث و به عرفوا و كذلك فعل بعبد الله بن محمد الحصيني و صنف الكتب الكثيرة. و يقال: إن الحسن صنف خمسين مصنفاً و سعيد كان يعرف بدنदान و شارك الحسن أخاه الحسين في كتبه الثلاثين و كان شريك أخيه في جميع رجاله إلا في زرة بن محمد الحضرمي و فضالة بن أيوب. فإن الحسين: كان يروى عن أخيه عنهما و كان الحسن ثقة و كذلك الحسين أخوه (خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، ص ۳۹).

البته قابل ذکر است که امام علاوه بر ارتباط از طریق سازمان وکالت خود، گاهی به صورت کاملاً دیپلماسی به کوفه سفر نموده، از نزدیک با اصحاب ارتباط برقرار می‌نمودند. بر اساس آنچه در تاریخ اسلام نقل شده، امام رضا علیه السلام تنها امامی است که دو سفر مهم علمی به دو شهر کوفه و بصره داشته است (کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، ص ۲۳۸).

شرح کامل سفرهای علمی و جزئیات آن و اینکه امام به کدام مراکز علمی سر زده‌اند و دقیقاً چه بحث‌هایی را مطرح کرده‌اند، در تاریخ ذکر نشده است، اما این موضوع روشن است که امام آگاهانه کوفه را برای سفر خود برگزیدند، زیرا کوفه از زمان حضرت علی علیه السلام که پایتخت جهان اسلام شد به مهم‌ترین شهر شیعیان تبدیل گردید و با اینکه بعدها بغداد پایتخت جهان اسلام شد



و کوفه رو به افول رفت، اما در عصر امام هشتم همچنان جایگاه دینی و علمی و فرهنگی خود را از دست نداده بود. به نظر می‌رسد سفر امام بیشتر جنبه علمی داشته، زیرا نقل شده است که امام رضا قبل از حرکت، سفر خود را به اطلاع علمای آن دو شهر رساندند تا آنها خود را آماده مواجهه علمی با ایشان کنند.

بنابر آنچه بیان شد، امام رضا علیه السلام علاوه بر سفر به کوفه که امکان ارتباط نزدیک اصحاب با امام را در کوفه فراهم می‌کرد، از طریق ایجاد سازمان وکالت، با هسته مرکزی سازمان که متشکل از شخصیت‌های برجسته بود، با اصحاب در کوفه ارتباط دائم و مستمر داشتند.

### چگونگی ارتباط امام رضا علیه السلام با اصحاب در بغداد

پیشینه تشیع در بغداد به زمان حضور سلمان فارسی یعنی سال ۳۶ هجری بازمی‌گردد. از آن پس، شیعیان در نهضت فرهنگی بغداد نقش حساس و مهمی داشتند. ابواسحاق ابراهیم، منجم شیعی نخستین کسی است که ساعت مناسب برای آغاز بنای شهر بغداد را به منصور اعلام داشت (دائرةالمعارف تشیع، ج ۴، ص ۲۶ - ۲۷).

منصور خلیفه عباسی پس از تثبیت موقعیت سیاسی خویش، پایتخت حکومتی خود را از کوفه به هاشمیه و از آنجا به بغداد منتقل ساخت. مردم نیز با او به سوی بغداد رهسپار شدند؛ در نتیجه، این شهر مورد حمایت قرار گرفت. بغداد در قرن دوم هجری در سال ۱۴۵ به عنوان مرکز خلافت تعیین شد و به مدینه‌السلام نام گرفت (الاجبار الطوال، ص ۴۲۵).

با تأسیس بغداد و آباد شدن آن به عنوان پایتخت عباسیان، و شروع ترجمه متون بیگانه به زبان عربی، عده‌ای از دانشمندان اسلامی در بغداد گرد هم آمدند و طبعاً شیعیان نیز از این فرصت برای طرح معارف شیعی بهره جستند (الإمام الصادق و المذاهب الأربعة، ج ۲، ص ۲۳۴). در این زمان، انتصاب برخی از شیعیان به سمت‌هایی از جمله وزارت و دبیری بی‌تأثیر نبود. نجاشی در شرح حال فضل بن سلیمان، معروف به کاتب بغدادی گفته است:

او در زمان منصور و مهدی عباسی، حساب خراج و مالیات‌ها را می‌نوشت و از راویان امام ششم و هفتم علیه السلام بود (رجال نجاشی، ص ۲۱۶).

علی بن یقطین نیز تا پست وزارت، ارتقا یافت و توانست با سلاح تقیه، جز در چهار سال آخر عمر خود، این مقام را حفظ نماید و در آن سال بود که بر اثر سعایت بدخواهان، همچون مولای خود امام موسی بن جعفر علیه السلام به زندان افتاد (رجال نجاشی، ص ۱۹۴).



با توجه به اقامت امام موسی بن جعفر علیه السلام در بغداد که سبب گردآمدن بسیاری از دستداران و شیعیان حضرت در بغداد شده بود، و با توجه به این که دولت عباسی به این شهر توجه ویژه‌ای داشت و آن را مرکز خلافت قرار داده بود و از سویی باید زمینه‌های حضور امام جواد علیه السلام در این شهر فراهم می‌شد، امام رضا علیه السلام نیز اوضاع این شهر را همچون شهر کوفه کنترل می‌کردند و از طریق سازمان وکالت خود در بغداد، با اصحاب و یاران ارتباط داشتند. امام علیه السلام به منظور برقراری ارتباط با اصحاب خود در بغداد، سازمان وکالتی شبیه به سازمان وکالت در کوفه را شکل دادند. بر اساس آنچه که منابع تاریخی و رجالی و روایی در اختیار می‌گذارد، به نظر می‌رسد هسته‌ی مرکزی سازمان وکالت امام در بغداد متشکل از پنج نفر بوده که نماینده‌ی این سازمان در بغداد شخصیت برجسته‌ی شیعی محمد بن ابی عمیر است. افراد سازمان وکالت امام در بغداد به علت نزدیکی به مرکز خلافت، آزادی عمل کمتری داشته و به شدت تحت کنترل حکام وقت بودند. به همین علت است که افراد سازمان وکالت بغداد و شبکه‌های ارتباطی آنها همچون کوفه و قم آشکار نیست. به نظر می‌رسد این سازمان در بغداد بیشتر به صورت مخفیانه فعالیت خود را انجام داده است. امام علیه السلام، محمد بن ابی عمیر را نماینده خود در این سازمان قرار دادند. در بیان شخصیت او آمده است:

« ابن ابی عمیر أفتقه من یونس و أصلح و أفضل » (رجال کشی، ص ۵۹۰).

ابن ابی عمیر علاوه بر آن که در فقه و علم سرآمد دیگران بود، در دوران امام کاظم علیه السلام نیز با تحمل زندان و شکنجه، امتحان الهی را با موفقیت گذرانده بود. هارون الرشید برای پی بردن به نام اصحاب امام کاظم علیه السلام و شیعیانش در عراق، ابن ابی عمیر را دستگیر و زندانی کرد. در زندان او را سخت شکنجه کردند و بیش از صد تازیانه به وی زدند تا نام اصحاب امام را فاش کند؛ اما این صحابی پاک باخته‌ی امام، در برابر شکنجه مأموران «رشید» مقاومت کرد و زبان به افشای نام یاران حضرت نگشود (اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۵۵).

پس از شهادت امام رضا علیه السلام محمد بن ابی عمیر به دلیل نپذیرفتن منصب قضاوت از طرف مأمون، بار دیگر به زندان افتاد. زندانی شدن او این بار چهار سال به طول انجامید و با شکنجه و آزار سنگین همراه بود؛ تمامی اموال او ضبط گردید و هنگامی که از زندان رهایی یافت، در نهایت تنگ‌دستی بود. شخصیت محمد بن ابی عمیر، بر خلاف صفوان، یک شخصیت کلامی بود که از همان ابتدا در کنار اساتید کلامی حضور داشت. روایتی در اصول کافی است که دل بستگی محمد

بن ابی عمیر را به هشام بن حکم نشان می‌دهد:

سری بن ربیع می‌گوید:

ابن ابی عمیر کسی را (در علم و فضل) برابر هشام بن حکم نمی‌دانست و روزی از رفتن نزد او باز نمی‌ایستاد؛ تا آن که با او اختلافی پیدا نمود و از او قطع رابطه کرد، و علتش این بود که در موضوعی راجع به امامت، میان ابومالک حضرمی، که با هشام رابطه داشت، با ابن ابی عمیر مشاجره شد. ابن ابی عمیر گفت: «تمام دنیا ملک امام است و او از کسانی که دنیا را به تصرف دارند، سزاوارتر است» و ابومالک گفت: «چنین نیست؛ املاک مردم متعلق به خود آنهاست، مگر آنچه را که به حکم خدا از آن امام گشته است مانند فیء و خمس و غنیمت که متعلق به امام است و آن را نیز خدا دستور داد که امام علیه السلام به چه کسی باید بدهد و چگونه مصرف کند». این مشاجره را نزد هشام بن حکم بردند و هر دو به او راضی شدند، هشام موافق ابومالک و مخالف ابن ابی عمیر رأی داد، لذا ابن ابی عمیر خشمگین شد و پس از آن با هشام قطع رابطه کرد (الکافی، ج ۱، ص ۴۱۰).

او نیز نه تنها در فقه شیعه، بلکه در فقه اهل سنت نیز مهارت داشت؛ به همین علت مورد قبول اهل سنت بود.

شخصیت علمی ابن ابی عمیر بسیار ستودنی است. بنا بر نقل ابن بطه، محمد بن ابی عمیر ۹۴ کتاب درباره‌ی عقاید و حدیث تألیف کرد (الفهرست، ج ۱، ص ۴۰۵).

بنابراین، امام با هوشیاری کامل، ابن ابی عمیر را نماینده‌ی سازمان وکالت در بغداد قرار دادند تا از هر نظر بر دیگران برتری داشته باشد و با توجه به این که شرایط کوفه با بغداد متفاوت بود<sup>۱</sup> امام، ابن ابی عمیر را گزینش نمودند تا مورد تأیید اهل سنت هم باشد. فعالیت ابن عمیر در کنار سایر شخصیت‌های برجسته که هسته اصلی سازمان را شکل می‌دادند، آغاز شد. با توجه به اوضاع بغداد و نزدیکی آنها به دستگاه خلافت، بیشتر شخصیت‌های سازمان وکالت امام دستگیر شدند و برای مدتی به زندان افتادند. افراد سازمان وکالت بغداد، بیشتر دارای شخصیت سیاسی بودند. ابوهاشم بغدادی از دیگر یاران امام در سازمان است که طبق تصریح منابع، ساکن بغداد بوده است (تاریخ بغداد أو مدینة الاسلام، ج ۸، ص ۳۶۹). وی دارای ارتباطات حضوری با

۱. در کوفه، بیشتر مردم شیعه بوده و در بغداد، تمام مذاهب اهل سنت و شیعه در کنار هم می‌زیستند.

امام علیه السلام بوده و در حرکت امام از مدینه به مرو، در شهر ایذه، به دیدار امام می‌رود (الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۶۱). محمد بن عیسی بن عبید نیز از دیگر شخصیت‌هایی است که در سازمان وکالت امام ایفای نقش می‌کند. خانواده او معروف به «آل یقطین» از خاندان مبارز شیعه در کوفه و بغداد بودند که در تشکیل هسته اولیه جامعه شیعی در بغداد، نقش اساسی داشتند. جد اعلای او، یقطین کوفی بغدادی، یکی از دعوات بزرگ شیعه در عصر مروان اموی بود.

بسیاری از دانشمندان، محمد بن عیسی را محدث و فقیهی جلیل‌القدر معرفی کرده‌اند. نجاشی مدح بلیغی از وی به عمل آورده و با الفاظی همچون «جلیل فی اصحابنا»، «ثقة»، «عین»، «کثیر الروایة» و «حسن التصانیف»، او را ستوده است (رجال نجاشی، ص ۳۳۳). علامه حلی وی را در قسم اول خلاصة الرجال (که مخصوص راویان ثقة است) ذکر کرده است (خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۱۴۲). تنها شیخ طوسی در رجال خود، به پیروی از شیخ صدوق، او را تضعیف کرده است (الرجال، ص ۳۹۱). اما علامه مامقانی و مرحوم خوئی در رجال خود به شدت از وثاقت و جلالت او دفاع کرده و پس از تحقیقی مبسوط، به توجیه نظریه شیخ طوسی و صدوق پرداخته‌اند (معجم الرجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۱۱۶-۱۱۷).

آنچه در سازمان وکالت امام در بغداد بیش از همه جلب توجه می‌نماید، حضور افرادی است که آشکارا با دولت عباسی به مبارزه برخاسته‌اند. به نظر می‌رسد برآیند ارتباط امام با سازمان وکالت ایجاد، ارتباطی را در بغداد ایجاد کرده که بیشترین نفوذ این شبکه در عرصه سیاسی است؛ بنابراین، شاهد مبارزات سیاسی سازمان با مأموران عباسی هستیم. برای نمونه، ابوهاشم نسبت به حکام ظلم و جور، در نهایت بی‌پروایی و جسارت بود و با خلفای عباسی درگیری‌هایی داشته (تاریخ بغداد أو مدینة الانسلاام، ج ۸، ص ۳۶۹) و به سبب همین انتقادات، چندین بار به زندان افتاده است (تاریخ طبری، ج ۹، ص ۳۶۹ - ۳۷۱؛ إعلام الوری باعلام الهمدی، ص ۳۵۴ - ۳۵۵). پس از قیام و شهادت یحیی، زمانی که سر وی را نزد محمد بن عبدالله طاهری آورده بودند، عده‌ای این پیروزی را به وی تبریک می‌گفتند. اما ابوهاشم بدون هیچ واژه‌ای وارد دربار حکومت جور وقت می‌شود و در کمال جسارت، خطاب به حاکم می‌گوید:

ای امیر! برای قتل کسی تبریک می‌گویند که اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله زنده بود، ایشان را

بدین مصیبت تسلیت می‌گفتند (مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۵۵۳؛ الکامل

فی تاریخ، ج ۱۱، ص ۲۹۴ - ۲۹۵).

در منابع نقل شده که همه از این سخن متأثر شدند و کسی نتوانست سخنی گوید (مقاتل الطالبيين، ص ۵۹۴).

اما با این وجود، جایگاه وی نزد زمامداران محترم شمرده می‌شد؛ چنانکه در سال ۲۵۱ هـ. ق در جریان شورش کوفه به رهبری حسین بن محمد علوی، ابوهاشم جعفری از طرف مزاحم بن خاقان، کارگزار عباسی، به عنوان میانجی برای مذاکره با حسین علیه السلام فرستاده شد (تاریخ طبری، ج ۹، ص ۳۲۸).

عیسی بن سلیمان نیز از دیگر افراد سازمان وکالت امام در بغداد است که بر اساس گزارشات کتاب‌های رجال و روایی، به نظر می‌رسد مرجع و منبع رجوع مردم بوده است. گزارش کشی مؤید این سخن است:

قال كنا في مجلس عيسى بن سليمان ببغداد فجاء رجل إلى عيسى فقال: أردت أن أكتب إلى أبي الحسن الأول عليه السلام في مسألة أسأله عنها: جعلت فداك عندنا قوم يقولون بمقالة يونس فأعطهم من الزكاة شيئاً؟ قال فكتب إلي: نعم أعطهم فإن يونس أول من يجيب عليا إذا دعي قال كنا جلوسا بعد ذلك فدخل علينا رجل فقال قدم مات أبو الحسن موسى عليه السلام و كان يونس في المجلس فقال يونس: يا معشر أهل المجلس أنه ليس بيني وبين الله إمام إلا علي بن موسى عليه السلام فهو إمامي (رجال كشي، ص ۴۹۰).

با توجه به این گزارش، عیسی بن سلیمان در زمان امام، جلساتی در بغداد تشکیل می‌داده و در آن به بررسی مسائل شرعی مردم می‌پرداخته است.

با توجه به آنچه بیان شد، سازمان وکالت امام در بغداد با وجود خفقان و فشار حکام عباسی با درایت امام و رهبری و مدیریت ابن ابی عمیر در کنار سایر شخصیت‌های برجسته توانست شبکه ارتباطی خود را در عرصه‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گسترش دهد؛ به گونه‌ای که بغداد به یکی از حوزه‌های مهم حدیثی شیعه تبدیل شد.

### چگونگی ارتباط امام رضا علیه السلام با اصحاب در قم

شهر مقدس قم از همان ابتدای نیمه قرن اول هجری، شاهد ورود طوایفی از مسلمانان عرب بود که عمدتاً به دلیل سیاسی از سرزمین عراق و برخی دیگر از نقاط به سوی ایران هجرت کردند، مانند جماعتی از بنی‌اسد که بعد از قیام مختار در سال‌های ۶۶ و ۶۷ هـ. ق وارد قم شدند و در محل جمکران استقرار یافتند. سپس طایفه‌هایی از بنی‌غزنه، بنی‌مذحج، و بنی‌قیس به قم آمدند.

طایفه اول در روستای چابلق و برقع و دسته دوم و سوم در کنار رودخانه که بعدها به قسیه معروف شد، سکنا گزیدند (تاریخ قم، ص ۲۵۱؛ تاریخ تشیع، ص ۱۶۵). در منابع دیده می‌شود بیشتر افرادی که در دوره امویان مخالف دولت بنی‌امیه و تحت تعقیب بودند، به قم و کاشان و سرزمین‌های مجاور این منطقه روی آورده‌اند (تاریخ قم، ص ۲۵۱).

به نقل مؤلف تاریخ قم، جماعتی از قبایله‌های تیم، قیس، عنزه و اشعری (تاریخ قم، ص ۲۴۰)، و به نقل یاقوت حموی هفده نفر از علما، تابعان و بزرگان عرب از جمله فرزندان سعد بن مالک اشعری در سپاه ضد اموی عبدالرحمن بن اشعث شرکت داشتند که پس از شکست این سپاه در سال ۸۴ ه. ق، همه بین طوایف رو به سوی قم نهادند و به ترتیب در روستای طیران و روستاهایی که به آنها اشاره شد، استقرار یافتند (تاریخ حموی، ج ۴، ص ۳۹۷). پس از استقرار اشعریان در قم، این شهر همچنان پذیرای مبارزان سیاسی بود. گردآمدن افرادی که همه دارای گرایش ضد اموی بودند، تفکر شیعی را در این شهر گسترش داد. در زمان امام رضا علیه السلام با توجه به اقامت امام در خراسان و هجرت امامزادگان به ایران، قم به عنوان مهم‌ترین شهر شیعی ایران شناخته می‌شد که بسیاری از بزرگان شیعه را در خود جای داده بود. امام علیه السلام به منظور حفظ تشیع و گسترش آن در این شهر، سازمان وکالت را با حضور افرادی چون یونس بن عبدالرحمن، زکریا بن آدم، ابراهیم بن هاشم، عبدالعزیز بن مهتدی قمی، محمد بن اورمه، احمد بن محمد بن عیسی، زکریا بن ادريس ایجاد نمودند. سازمان وکالت امام در قم، مانند کوفه و بغداد، نیاز به نماینده‌ای داشت که بتواند در شرایط دشوار و سخت جانشین امام علیه السلام باشد. از طرفی، اختلاف آراء کلامی در قم سبب شده بود بین اصحاب، حتی در درون سازمان وکالت، اختلافات عمیقی ایجاد شود. به همین دلیل، انتخاب نماینده‌ای که بتواند سازمان را به خوبی هدایت کند، کار بسیار مشکلی است. از سویی، یونس بن عبدالرحمن با ویژگی‌هایی که دارد برترین شخصیت قمی است که می‌تواند نماینده امام در سازمان وکالت باشد؛ اما امام، با توجه به علم، دین‌شناسی و بصیرتی که یونس دارد، وظیفه‌ای سنگین‌تر از نمایندگی سازمان وکالت را به وی دادند؛ موقعیت یونس به گونه‌ای است که بیشتر در سفر است و کمتر در قم اقامت دارد؛ بنابراین، امام، زکریا بن آدم را به عنوان نماینده خود در قم معرفی می‌نماید. البته یونس نیز رهبری هسته مرکزی سازمان را با وجود سایر وظایف و نقش‌ها، به عهده دارد. به هر حال، امام بر مرجعیت هر دو در قم تأکید دارند. علی بن مسیب همدانی که از ثقات اصحاب امام رضا علیه السلام است، می‌گوید: به امام علیه السلام عرض

کردم که راه من دور است و نمی‌توانم همیشه به محضر شما شرفیاب شوم؛ احکام دینم را از چه کسی بیپرسم؟ امام علیه السلام فرمودند:

مِنْ زَكَرِيَا ابْنِ آدَمَ الْقَمِي الْمَأْمُونِ عَلَى الدِّينِ وَ الدُّنْيَا، قَالَ عَلِيٌّ بِنَ الْمُسَيَّبِ: فَلَمَّا انْصَرَفْتُ قَدَّمْتُ عَلَى زَكَرِيَا بِنِ آدَمَ فَسَأَلْتُهُ، عَمَّا اخْتَجَّتْ إِلَيْهِ (رجال كشي، ص ۵۹۵).  
از زکریا بن آدم قمی پرس که امین دین و دنیا است. علی بن مسیب می‌گوید: پس از مرخص شدن از محضر امام علیه السلام نزد زکریا بن آدم رفتم و از هر چه نیاز داشتم، سؤال نمودم.

وضعیت قم و اختلافات به گونه‌ای بود که گاه سبب می‌شد برخی از خواص امام مانند زکریا، قصد خروج از قم را داشته باشد. امام به اندازه‌ای با دقت و بصیرت تمام به گزینش افراد دست زده بودند که وقتی زکریا به منظور دوری از سفیهان، از امام کسب اجازه کرد تا از قم خارج شود، امام با او مخالفت نمودند و از او خواستند تا در قم بماند و مانع انحراف جامعه و بستگان خود گردد. امام به وی فرمودند:

لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِكَ يَدْفَعُ عَنْهُمْ بِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَهْلِ بَغْدَادٍ بِأَبِي الْحَسَنِ الْكَاظِمِ علیه السلام  
(رجال كشي، ص ۵۹۴)

این کار را مکن؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی به خاطر تو، خانواده تو را از بلایا حفظ خواهد کرد؛ همان‌طور که مردم بغداد را از برکت امام کاظم علیه السلام از بلایا حفظ می‌فرماید.  
امام به دلیل اختلافات موجود در قم، سازمان وکالتی متفاوت از سازمان وکالت در کوفه و بغداد شکل دادند. این اختلاف، هسته مرکزی سازمان را هم به طرز آشکاری در بر گرفته است. در برخی منابع ذکر شده است: عزیز بن مهتدی وکیل حضرت رضا علیه السلام در قم، ضمن نامه‌ای از شأن یونس پرسید؛ آن حضرت در پاسخ، با خط مبارکش چنین نوشت:  
او را دوست بدار و برای او طلب رحمت کن؛ گرچه همه‌ی مردم شهر با تو در این مورد مخالفت کنند (اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۲۷).

این موضوع، بیانگر عمق اختلافات در قم است. امام علیه السلام در اولین مرحله، زکریا بن آدم را نماینده خود در پاسخ‌گویی به مسائل دینی مردم معرفی نمودند و در اقدامی دیگر، یونس بن عبدالرحمن را، که سلمان زمان خود بود، به عنوان نماینده وکلا و خواص و نخبگان جامعه رضوی تعیین نمودند. انتخاب یونس به این سمت، به علت دین‌شناسی وی است. توان علمی

یونس بن عبدالرحمن در حوزه مسائل دینی به آن اندازه بوده که امام به خواص جامعه سفارش می‌کنند که مسائل دینی خود را از یونس فرا گیرید:

حدثنی عبد العزیز بن المہتدی و کان خیر قمی رأیتہ و کان وکیل الرضا علیہ السلام و خاصتہ فقال: إني سألتہ فقلت: إني لا أقدر علی لقائک فی کل وقت فعمن آخذ معالم دینی؟ فقال: خذ عن یونس بن عبدالرحمن. و هذه منزلة عظيمة (رجال نجاشی، ص ۴۴۶).

نکته حائز اهمیت در این گزارش این است که خطاب امام رضا علیہ السلام به فردی عادی از شهروندان جامعه شیعی نبوده، بلکه به وکیل خود، عبدالعزیز بن المہتدی است. پس توان علمی یونس به اندازه‌ای است که امام، خواص جامعه شیعی را به وی ارجاع می‌دهد. از سویی، امام اوضاع قم و اختلافات را پیگیری نموده و در برخی موارد راهکارهایی را به نمایندگان خود در سازمان جهت خنثی‌سازی اختلاف ارائه می‌دهند. گزارشی در منابع رجالی بیان شده که نشان می‌دهد امام به یکسان نبودن توان اندیشه‌ورزی در قم توجه داشته و با توجه به مسؤلیت سنگین یونس، از وی می‌خواهد در ارتباطات خود با افراد، توان اندیشه‌ورزی آنان را مدنظر قرار داده و بر اساس آن با مردم سخن بگوید:

ای یونس! با مردم در مورد آموزه‌های آشنا سخن بگو و آنچه را نمی‌دانند، رها کن (رجال کشی، ص ۴۸۸).

با توجه به این گزارش‌ها، به نظر می‌رسد نمایندگان امام، یونس بن عبدالرحمن و زکریا و پس از آن دو، وکیل امام، عبدالعزیز بن المہتدی، بیشترین ارتباط را با امام داشته‌اند. این ارتباط به هر دو صورت حضوری و مکاتبه‌ای دیده می‌شود. دیدار یونس و زکریا بیشتر به صورت حضوری و دیدار عبدالعزیز بن المہتدی مکاتبه‌ای بوده است. ارتباط حضوری در محل استقرار امام یا در سفرهای زیارتی امام رخ می‌داد. زکریا بن آدم نماینده امام در قم یک سال از مدینه تا مکه و در اعمال حج همسفر و مصاحب امام رضا علیہ السلام بود. شیخ کشی به سند معتبر روایت می‌کند که زکریا بن آدم گفت: یک شب تا طلوع فجر که امام برخاست و نماز فجر خواند با امام علیہ السلام از علوم و اسرار بحث کردم (رجال کشی، ص ۶۱۶). برآیند این ارتباط مستمر در جامعه شیعی قم، ایجاد شبکه ارتباطی گسترده‌ای است که سبب می‌شود افراد زیادی گرد نمایندگان امام در سازمان وکالت جمع شوند و حلقه منسجمی از شیعه در قم، با رهبری امام از طریق سازمان وکالت شکل گیرد. افرادی همچون عباس بن معروف قمی، ریان بن شیبب و احمد بن محمد خالد برقی از محضر



یونس بن عبدالرحمن به عنوان نماینده امام و راوی برجسته در قم بهره‌های فراوان بردند. ابراهیم بن هاشم قمی از کوفه به قم آمده و به ترویج حدیث کوفه در قم می‌پردازد (اضواء علی عقائد الشیعة الامامیة، ص ۳۳۶). به نظر می‌رسد بیشترین ارتباط سازمان وکالت با توجه به شخصیت حدیثی یونس، در حوزه نشر حدیث است. احمد بن محمد بن عیسی از یاران امام رضا علیه السلام است که می‌توان وی را از جمله پایه‌گذاران مکتب حدیث در حوزه قم نامید. وی در تشخیص احادیث صحیح صاحب سبک بوده و در مورد نقل احادیث به شدت احتیاط می‌کرده است. همین رویه از سوی وی در مورد سایر راویانی که به قم مهاجرت می‌کردند، دیده می‌شود تا جایی که هر راوی را که از راویان ضعیف، حدیث نقل می‌کرده، از قم اخراج می‌نموده و اجازه نشر آنچه را منطبق بر موازین نمی‌دانسته، نمی‌داده است (تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۱، ص ۹۰).

بنابراین، امام به منظور ارتباط با اصحاب در قم، سازمان وکالت را شکل داده و از طریق این سازمان، شبکه ارتباطی گسترده‌ی در جامعه شیعی قم به وجود آمد که اوضاع سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و دینی جامعه را به نفع شیعیان در کنترل داشت.

### تحلیل چگونگی ارتباط امام علیه السلام با اصحاب خود در کوفه، قم و بغداد

ارتباط با اصحاب در هر عصری مورد توجه امامان علیهم السلام بوده است. این ارتباط در زمان امام رضا علیه السلام با توجه به گستردگی جهان اسلام و پراکندگی شیعیان در نقاط گوناگون اعم از عراق، حجاز، ایران، یمن و مصر، و با توجه به وسایل ارتباطی آن عصر و نیز فراوانی پیروان، قابل بحث و بررسی است. در میان شهرهای جهان اسلام، سه شهر کوفه، بصره و بغداد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کوفه از این جهت مهم است که با فعالیت و تلاش بزرگانی چون امام علی علیه السلام به شهری تبدیل شده است که بیشتر جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. بنابراین، حفظ موجودیت شیعه و گسترش آن در این شهر از اقدامات امام علیه السلام است که این مسئله نیازمند برقراری ارتباط مستمر می‌باشد. شهر بغداد از این نظر قابل توجه است که خلفای عباسی این شهر را مرکز خلافت قرار داده و امام قبل یعنی امام کاظم علیه السلام در این شهر استقرار داشته‌اند و همین موضوع سبب شده است بزرگان و علمای جهان اسلام در محل استقرار امام سکونت گزیده باشند. بنابراین، ارتباط امام با بغداد یعنی کنترل دستگاه خلافت عباسی و خنثی‌سازی برنامه‌های ضد شیعی آنها. گسترش شیعه در بغداد می‌تواند عامل مقاومت در برابر خلافت عباسی باشد. شهر قم نیز به عنوان اولین شهر شیعی ایران با توجه به نزدیکی به خراسان، که

محل سکونت امام است، حضور مخالفان بنی امیه و چهره‌های مبارز سیاسی، می‌تواند به مرکزی برای استقرار شیعیان تبدیل شده که به دور از دستگاه خلافت عباسیان به فعالیت دینی و مذهبی خود ادامه دهند. این موارد ضرورت ارتباط امام را با این سه شهر نشان می‌دهد. امام علیه السلام به منظور ارتباط با همه اصحاب خود، چند اقدام اساسی انجام دادند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. ایجاد شبکه‌های ارتباطی از طریق سازمان وکالت: امام علیه السلام سازمان وکالت در هر سه شهر را با حضور نخبگان آن شهرها تأسیس کردند. اساس سازمان وکالت در هر سه شهر یکی بود؛ اما با توجه به تفاوت هر یک از شهرها، سازمان وکالت در این شهرها از تفاوت‌هایی برخوردار بود. سازمان وکالت در کوفه با توجه به آنکه اکثریت جمعیت آن شیعه بودند و کسانی در این محل استقرار داشتند که همگی ارتباط با معصوم را در دوره‌های قبل تجربه کرده بودند، از انسجام بیشتری برخوردار بود و شخصیت‌های درون سازمان به خوبی می‌توانستند از طریق ایجاد شبکه‌های ارتباطی، زمینه ارتباط امام با جامعه را ایجاد نمایند. صفوان بن یحیی، محمد بن سنان و احمد بن محمد بن ابی نصر شخصیت‌های برجسته‌ای بودند که در این سازمان فعالیت داشتند. در سازمان وکالت بغداد با توجه به اکثریت اهل سنت در بافت جمعیتی آن، حضور عباسیان در این شهر و ممانعت علنی آنها از فعالیت شیعه، امام علیه السلام ابن ابی عمیر را که از شخصیت‌های مورد احترام اهل تسنن بود، به رهبری سازمان برگزیدند تا از این طریق بتوانند شبکه ارتباطی خود را به اهل تسنن نیز بکشانند. از سوی، وجود خفقان و از سوی، اعمال فشار عباسیان در بغداد باعث شد امام به گزینش کسانی بپردازند که چهره مبارز سیاسی داشتند تا سازمان بتواند در برابر حاکمان عباسی بایستد و ارتباط امام با شیعه حفظ شود. در قم وجود اختلافات به اندازه‌ای بود که امام به صورت مرتب، ارتباط خود را با نمایندگان درون سازمان، همچون یونس و زکریا برقرار نموده و از وکلا و خواص جامعه می‌خواستند تا با احترام به یونس و پذیرش مرجعیت وی، به وحدت هسته مرکزی سازمان کمک نمایند. بنابراین، اولین اقدام امام برای ارتباط مستمر با همه اصحاب در این سه شهر، ارتباط از طریق سازمان وکالت بود.

ب. دومین اقدام امام علیه السلام سفر به برخی از این مراکز بود. در منابع تاریخی، سفر امام به کوفه گزارش شده است. همچنین هجرت امام علیه السلام از مدینه به خراسان و توقف در برخی از شهرها سبب شد تا دوستان امام بتوانند از نزدیک با ایشان دیدار حضوری داشته باشند.

ج. اقدام دیگر امام امکان برقراری ارتباط در مکه در ایام حج بود. ایام حج بهترین زمان به منظر ایجاد ارتباط اعضای سازمان وکالت با امام بود. نمونه‌های متعددی از حضور امام در مکه

در ایام حج و ارتباط با نمایندگان دیده می‌شود. منابع رجالی و تاریخی گزارش نموده که برخی از شخصیت‌های برجسته و نخبگان عصر رضوی چون صفوان، یونس، ابن ابی عمیر بیش از صد حج انجام داده‌اند که چنین مسئله‌ای، این فرضیه را اثبات می‌کند این افراد چون رابط بین شهر خود و امام بوده‌اند، همیشه در سفر به مکه و مدینه بوده و همین، عاملی برای انجام فریضه حج هم بوده است.

د. اقدام دیگر امام، شاگردپروری بود. امام در مدینه یا در خراسان با تشکیل مجالس علمی این امکان را فراهم می‌کردند تا یاران و دوستان ایشان از سراسر مناطق به حضور ایشان آمده و از ارتباط با ایشان بهره‌مند شوند. به عنوان نمونه، سعد بن سعد از قم به خراسان یا مدینه سفر کرد تا بتواند از محضر امام کسب فیض نماید. از سویی دیگر، امام با برگزاری جلسات مناظره و حضور در این جلسات سبب می‌شدند تا جمع بسیاری در این گونه محافل، ایشان را از نزدیک مشاهده و ارتباط برقرار کنند.

ه. ارتباط عمومی با همه افراد: منزل امام در محل استقرارشان در مدینه و خراسان محل آمد و شد اصحاب بود. این موضوع به اندازه‌ای اهمیت داشت که امام در هجرت خود به خراسان هم به ایجاد ارتباط در محل استقرار توجه داشتند؛ به گونه‌ای که در تاریخ ثبت شده است:

احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی می‌گوید: «در قادسیه به استقبال حضرت رضا علیه السلام رفتم. پس از اینکه خدمتش رسیدم فرمود: برای من اتافی اجاره کن که دارای دو در باشد، دری به حیاط باز شود و دری به بیرون تا مراجعه‌کنندگان به آزادی رفت و آمد کنند» (جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو، ص ۲۷).

و. ارتباط خصوصی با خواص از دیگر اقدامات امام بود. امام معمولاً با هسته مرکزی سازمان وکالت در شهرهای مختلف ارتباط مستمر داشتند و گاهی این ارتباطات به اقامت شب در منزل امام منجر می‌شد. بزنطی می‌گوید:

روزی خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیدم. صفوان بن یحیی و محمد بن سنان هم با من بودند. مدتی در خدمت آن حضرت نشستیم و بعد برخاستیم تا از محضر ایشان برویم. فرمودند: «ای احمد! شما بنشین.» من بار دیگر نشستیم. امام علیه السلام با من شروع به سخن کرد. من مسائلی از آن جناب پرسیدم و پاسخ می‌گرفتم تا مدتی از شب گذشت. هنگامی که تصمیم گرفتم از منزلش بیرون شوم، حضرت فرمود: ای احمد! می‌روی یا در اینجا می‌مانی؟ عرض کردم: قربانت گردم هر طور اراده فرمایی عمل می‌کنم.

فرمود: در اینجا باش؛ اکنون همه مردم خوابیده‌اند و پاسبانان در شهر گردش می‌کنند. حضرت برخاست و به اطاق دیگری رفت من در آن موقع سجده شکر به جای آوردم و گفتم: حجت خداوند برای من ارزش قائل شد و مرا از میان دوستان انتخاب کرد و در منزل خود نگاه داشت. هنوز در سجده شکر بودم که دیدم با پای مبارک خود مرا متوجه کرد و من برخاستم و دست مرا گرفت و فشار داد و سپس فرمود: «ای احمد! علی عليه السلام به عیادت صعصعه بن صوحان رفت. هنگامی که از منزل او بیرون می‌شد فرمود: ای صعصعه به برادرانت افتخار نکن که من به عیادت شما آمده‌ام. اینک از خداوند بترس و متوجه اعمال باش.» این سخن را به من فرمود و به حرم شریف خود بازگشت (رجال کشی، ۵۸۷ - ۵۸۸).

ز. ایجاد سازمان وکالت مرکزی: از دیگر اقدامات امام عليه السلام علاوه بر ایجاد سازمان وکالت در هر یک از شهرها، ایجاد سازمان وکالت مرکزی بود که معمولاً نمایندگان و شخصیت‌های برجسته در هر یک از شهرها در آن گرد آمده و به بحث و بررسی و رفع اختلافات جامعه شیعی جهان اسلام می‌پرداختند. یک نمونه از آن را کلینی نقل نموده که حکایت از این واقعه دارد:

محمد بن عیسی بن عبید گوید: من و ابن فضال نشستیم که یونس وارد شد و گفت: من خدمت امام رضا عليه السلام رسیدم و عرض کردم: قربانت. مردم درباره عمود (از نور که برای امام برافراشته شود) سخن بسیار گویند. به من فرمود: ای یونس! تو چه عقیده داری؟ خیال می‌کنی عمودی از آهن است که برای امام افراشته می‌شود؟ عرض کردم: نمیدانم، فرمود: او فرشته‌ایست گماشته در هر شهر که خدا به وسیله او اعمال مردم آن شهر را به امام رساند، ابن فضال برخاست و سر او را بوسید و گفت: خدایت رحمت کند ای ابامحمد! که همواره برای ما حدیث درستی که خدا بدان مشکل ما را می‌گشاید، می‌آوری» (الکافی، ج ۱، ص ۳۸۸).

این گزارش نشان می‌دهد که یونس رهبری سازمان وکالت امت اسلام را بر عهده دارد؛ به همین سبب است که دیده می‌شود یونس با شخصیت‌های برجسته در قم، بغداد، کوفه و بصره ارتباط دارد.

موارد بسیاری در کتب رجالی وجود دارد که نشان می‌دهد افراد برجسته در شهرهای مختلف با یکدیگر در ارتباط بوده و ملاقات‌های متعددی به منظور حل اختلاف امت اسلام داشته‌اند.

نمونه بارز آن زمان شهادت امام رضا علیه السلام است که همگی به منظور تعیین جانشین در بغداد گرد آمدند.

ریان بن صلت، صفوان بن یحیی، محمد بن حکیم، علی بن حسان ثابتی، اسحاق بن اسماعیل بن نوبخت و یونس بن عبدالرحمن با گروه دیگری از شیعیان در یکی از محله‌های بغداد بنام برکه زلز شهر بغداد در خانه عبدالله بن حجاج برای عزاداری اجتماع کردند. یکی از شیعیان برخاست و گفت: گریه را رها کنید تا مسئله رهبری را تحقیق کنیم. تصیم بر این شد که عده‌ای از بزرگان شیعه نزد امام جواد علیه السلام بروند و مسئله را تحقیق کنند (بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۹۹).

### نتیجه گیری

مذهب تشیع با مجاهدت‌ها و تدابیر امامان در طول تاریخ روندی رو به رشد داشته است؛ به طوری که در عصر امام رضا علیه السلام، هواداران و پیروان ایشان در سرزمین‌های اسلامی پراکنده بودند؛ چنان که نگاهی به فهرست اسامی شاگردان امام، این مدعا را اثبات می‌کند. اینک جای این سؤال باقی است که رابطه امام علیه السلام با پیروانشان در بلاد مختلف و هدایت و رهبری ایشان به چه ترتیب و با چه ساز و کاری صورت می‌گرفته است؟ به منظور پاسخ به این سؤال، با مرور تاریخ دوران امام رضا علیه السلام این نتیجه حاصل شد که در آن زمان، سه شهر بغداد، کوفه و قم از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بوده و از سویی فاصله محل استقرار امام با این سه شهر زیاد است. امام علیه السلام به طرق زیر با اصحاب خود در ارتباط بودند:

- ایجاد سازمان وکالت؛
  - ایجاد سازمان وکالت مرکزی؛
  - ایجاد شبکه‌های ارتباطی از طریق سازمان وکالت؛
  - سفر به برخی مراکز حساس چون کوفه و بصره؛
  - برقراری ارتباط در مکه در ایام حج؛
  - تربیت شاگرد و تشکیل جلسات درسی در محل استقرار امام؛
  - امکان ارتباط عمومی برای همه افراد.
- ارتباط مستمر امام با مراکز حساس و مهم سبب می‌شد تا جامعه شیعی در عرصه‌های دینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی تحت کنترل امام باشد.

### کتاب نامه

- الاخبار الطوال، دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، ترجمه: مهدوی دامغانی، محمود، تهران: نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۷۱ ه. ش.
- اختیار معرفة الرجال، طوسی، محمد بن حسن، تصحیح، میرداماد استرآبادی، محقق: رجایی، سید مهدی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ ه. ق.
- اضاءة على عقائد الشيعة الامامية، سبحانی، جعفر، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۱ ه. ق.
- إعلام الوری باعلام الهدی، طبرسی، أبوعلی فضل بن حسن، تحقیق: غفاری، علی اکبر، تهران: مكتبة العلمية الاسلاميه، ۱۳۳۹ ه. ق.
- اعیان الشیعه، امین، سیدمحسن، تحقیق: امین، سیدحسن، بیروت: دارالمعارف للمطبوعات، ۱۴۲۰ ه. ق.
- الإمام الصادق و المذاهب الأربعة، حیدر، اسد، بیروت: دار التعارف، ۱۴۲۲ ه. ق.
- بحار الأنوار، مجلسی، محمدباقر، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ه. ق.
- بصائر الدرجات، صفار، محمد بن حسن، تحقیق: کوچه باغی، میرزا حسن، تهران: اعلمی، ۱۴۰۴ ه. ق.
- پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، معارف، مجید، تهران: مؤسسه فرهنگي ضریح، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه. ش.
- تاریخ بغداد أو مدينة الاسلام، خطیب بغدادی، احمد بن علی، تحقیق: عطا، مصطفی عبدالقادر، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۳۹۵ ه. ق.
- تاریخ یعقوبی، یعقوبی، احمد بن واضح، بیروت: دار صادر، بی تا.
- تاریخ تشیع، جعفریان، رسول، تهران: علم، ۱۳۸۷ ه. ش.
- تاریخ طبری، طبری، محمد بن جریر، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
- تاریخ قم، قمی، حسن بن محمد، تحقیق: انصاری، محمدرضا، ترجمه: قمی، علی بن محمد، قم: کتابخانه حضرت آیت الله عظمی مرعشی، ۱۳۸۵ ه. ش.

- تنقيح المقال في علم الرجال، مامقاني، شيخ عبدالله، نجف: المطبعة المرتضوية، چاپ اول، ۱۴۰۳ هـ. ق.
- جغرافياى تاريخى هجرت امام رضا عليه السلام از مدينه تا مرو، عرفان منش، جليل، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوى، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ. ش.
- حياة الامام الرضا عليه السلام، قرشى، باقر شريف، بيروت: منشورات سعيد بن جبير، بى تا.
- الخرائج و الجرائح، راوندى، قطب الدين، تحقيق: مؤسسة الامام المهدي (عج)، قم: نشر مؤسسة الامام المهدي (عج)، بى تا.
- خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، حلى، حسن بن يوسف، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ هـ. ق.
- دائرة المعارف تشيع، حاج سيدجوادى و ديگران، احمد صدر، تهران: انتشارات سازمان دايرة المعارف تشيع، ۱۳۱۸ هـ. ش.
- دلائل الامامة، طبرى أملى، محمد بن جرير، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ هـ. ق.
- رجال ابن داوود، ابن داوود حلى، تقى الدين، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ هـ. ش.
- رجال كشى، كشى، محمد بن عمر، تحقيق: رجاى، مهدى، قم: مؤسسه آل البيت، بى تا.
- رجال نجاشى، نجاشى، احمد بن على، تحقيق: شيبورى زنجانى، سيد موسى، قم: مؤسسه نشر اسلامى، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ هـ. ق.
- الرجال، طوسى، محمد بن حسن، تحقيق: قيوى اصفهانى، جواد، قم: مؤسسه نشر اسلامى، ۱۴۱۵ هـ. ق.
- عيون اخبار الرضا عليه السلام، صدوق، ابى جعفر محمد بن على بن حسين، تحقيق: اعلمى، شيخ حسين، بيروت: منشورات مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ. ق.
- عيون اخبار الرضا عليه السلام، صدوق، ابى جعفر محمد بن على بن حسين، ترجمه: غفارى و مستفيد، تهران: صدوق، ۱۳۷۲ هـ. ش.
- الغيبة، طوسى، محمد بن حسن، تحقيق: طهرانى، عبادالله و ناصح، على احمد، قم: مؤسسة المعارف الاسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ. ق.
- الفهرست، ابن نديم، محمد بن اسحاق، ترجمه و تحقيق: تجدد، محمدرضا، تهران: اميركبير، ۱۳۶۶ هـ. ش.
- الفهرست، طوسى، محمد بن حسن، نجف: مكتبة المرتضوية، بى تا.

- الكافي، كليني، محمد بن يعقوب، تصحيح و تعليق:، غفاري، علي اكبر، تهران: دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم، ۱۳۶۸ هـ. ش.
- الكامل في التاريخ، ابن اثير، ابوالحسن علي بن أبي الكرام الشيباني، تحقيق: شيري، علي، بيروت: دار إحياء التراث، ۱۴۰۸ هـ. ق.
- كوفه و نقش آن در قرون نخستين اسلامي، رجبى، محمد حسين، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسين عليه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۸ هـ. ش.
- مروج الذهب و معادن الجواهر، مسعودى، ابوالحسن علي بن حسين، تحقيق: محى الدين عبدالحميد، محمد، بيروت: دارالمعرفة، بيتا.
- معجم البلدان، حموى، شهاب الدين ياقوت بن عبدالله، تصحيح: مرعى، محمد عبدالرحمن، بيروت: دار إحياء التراث العربى و مؤسسه التاريخ العربى، بى تا.
- معجم الرجال الحديث، خويى، سيد ابوالقاسم، قم: مركز نشر آثار شيعه، ۱۳۶۹ هـ. ش.
- مقاتل الطالبين، ابوالفرج اصفهاني، علي كاتب، تحقيق: صقر، سيد احمد، بيروت: دارالمعرفة، بى تا.
- مناظرات تاريخي امام علي بن موسى الرضا عليه السلام با پيروان مذاهب و مكاتب مختلف، مكارم شيرازى، ناصر، مجموعه آثار دومين كنگره جهاني حضرت رضا عليه السلام، ۱۳۶۶ هـ. ش.
- مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، محمد بن علي، تصحيح و تعليق: رسولى محلاتى، سيد هاشم، قم: مؤسسه انتشارات علامه، بى تا.